



بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت (علیهم السلام) به مناسبت میلاد فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) - 20 / فروردین / 1394

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على اعدائهم اجمعين. اللهم صل على فاطمة و ابيها و بعلمها و بنيتها عدد ما احاط به علمك.

تبریک عرض میکنم این میلاد مسعود را به همه‌ی عاشقان ولایت، عاشقان نبوت، عاشقان خاندان پیغمبر، دلباختگان فضیلت حقیقی. به شما عزیزان خوشامد عرض میکنم؛ یکایک شما دارای ارج و مقامی هستید که اشاره خواهم کرد و عرض خواهم کرد. قبل از شروع عرایض یاد مرحوم آقای آهی (رحمة الله علیه) مدّاح متعهد و پایبند و خیرخواه و پرتلاش را گرامی میدارم.

بنده مرحوم آهی را از سالهای اوایل دهه‌ی ۴۰ می‌شناسم. در مشهد یک جمعی از مداحان اهل بیت آمده بودند و ایشان فعال بود؛ البته آشنایی‌ای پیدا نکردیم اما من ایشان را شناختم و دیدم؛ سالهای متمادی ایشان را از دور می‌شناختم؛ بعد هم از نزدیک خدمت ایشان رسیده بودیم. خدا ان شاء الله درجاتش را عالی کند، به معنای حقیقی کلمه، پایبند و متعهد و علاقه‌مند و بخصوص نسبت به جامعه‌ی مدّاح دارای احساس تعهد و مسئولیت بود. و هر سال ما ایشان را در اینجا زیارت میکردیم. رحمت خدا بر او باد؛ خدا ایشان را بیامرزد؛ خدا ما را هم بیامرزد! سه مطلب را من عرض میکنم: یکی درباره‌ی شما است، درباره‌ی مدّاحی و درباره‌ی این حرفه‌ی بسیار شریف است؛ یکی درباره‌ی مسئله‌ی هسته‌ای است که امروز به یک مسئله‌ی رایج در کشور ما تبدیل شده است؛ یکی هم راجع به مسئله‌ی یمن است. این سه مطلب را من امروز به طور اجمال با شما عزیزان، و در واقع با ملت ایران، مطرح میکنم.

درباره‌ی مطلب اول؛ حرفه‌ی مدّاحی بسیار باشرفتی است؛ چرا؟ چون در طول تاریخ کسانی بودند که ستمگران را، ظالمان را، زورگویان را مدح میگفتند و مدح میکردند؛ امروز هم هستند. امروز هم در دنیا کسانی هستند که زبان میگشایند به مدح پلیدترین انسانهای عالم، یا قلمهایشان را با مزد - با مزدی کثیف و پلید - در این راه به کار می‌اندازند؛ شما به عکس، زبانتان، نقّستان، حنجره‌تان، قدرت هنری‌تان در خدمت مدح فضیلت است. خاندان پیغمبر خاندان فضیلتند؛ سرتاپا فضیلت. مدّاح خورشید مدّاح خود است؛ شما در واقع با مدح فضیلت خاندان پیغمبر، مدح خودتان را هم میکنید و در واقع شرافت این شغل را نشان میدهید. من چند سال قبل از این، در همین مجلس مربوط به فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) این شعر را از مرحوم صغیر اصفهانی خواندم:

در حدیث آمد که اندر لیلۃ الاسراء پیمبر

اشترانی دید، من خود اشتری زان کاروانم

گر نداری باور و حجّت همی خواهی نظر کن

بر کتاب مدح او در دست من کاین هست بارم

رحمت خدا بر صغیر اصفهانی. بنابراین شما کتاب مدح فضیلت را در دست دارید؛ این شرافت بزرگی است؛ خوش به حال شما؛ قدر بدانید این حرفه را، این خصوصیات را و این فرصت را مغتنم بشمارید. این، نکته‌ی اول درباره‌ی مدّاحی.

نکته‌ی دوم؛ امروز جامعه‌ی مدّاح کشور، فرصت بسیار بزرگی را در اختیار دارد؛ شما مجالسی تشکیل میدهید؛ جمعیت‌های بزرگ، گاهی جمعیت‌های هزاران نفری و غالباً هم جوان جمع میشوند پای منبر شما و پای خواندن



شما و مدیحه‌سرایی و مرثیه‌خوانی شما؛ از این فرصت بهتر؟ این همه مخاطب، این همه دل آماده‌ی شنیدن و نیوشیدن، این همه نفوس آماده‌ی تربیت شدن در اختیار شما هستند؛ این فرصت است؛ **إِغْتَنِمُوا الْقَرَصَ فَإِنَّهَا تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ**. این فرصت را مغتنم بشمرید؛ از این فرصت بهترین استفاده را بکنید.

نکته‌ی سوّم؛ بهترین استفاده‌ی از این فرصت چیست؟ تبلیغ معارف دین؛ تبلیغ همان چیزی که این بزرگواران، این نشانه‌های عظمت و فضیلت برای خاطر آن، جانشان را کف دست گرفتند؛ این همه رنج بردند؛ این همه مصیبت کشیدند؛ حادثه‌ی عاشورا به وجود آمد؛ حوادث گریه‌آور صدر اسلام به وجود آمد. [اینها] برای چه بود؟ برای ترویج معارف دین بود. از این فرصت برای ترویج معارف دین، برای سوق دادن نسل جوان به عمل به دین، به عمل به شریعت، به عمل به مسئولیتهای بزرگ این دوران استفاده کنید. امروز کشور ما، ملت ما و دنیای اسلام محتاج درست فهمیدن، درست عمل کردن و ایستادگی کردن است. ملت ایران الگو است؛ در میان ملت، جوانان موتور حرکتند. این جوانها در اختیار شما هستند؛ یعنی شما با یک نگاه ملاحظه خواهید کرد که به یک معنا موتور حرکت دنیای اسلام، زیر کلید شما است. معارف دین را تبلیغ کنید.

آنچه را مردم احتیاج دارند و آنچه را این جوانها احتیاج دارند برای پاک بودن، برای پاک زیستن، برای سبک زندگی اسلامی، برای مسلمان شدن به معنای واقعی کلمه، برای عاقبت به خیری، به اینها یاد بدهید؛ این در اختیار شما است. کی ما در طول تاریخ این همه مجلس داشتیم که در آنها این همه جوان جمع بشوند و دلهايشان را در اختیار شما بگذارند. در زمان ما و در دوره‌ی جوانی ما در مشهد اگر همه‌ی مدّاحها را می‌شمردند، از پنج شش نفر بیشتر نمیشدند، در تهران هم یک‌خنده بیشتر از این. این همه مجلس، این همه گوینده، این همه خواننده، این همه هنر، این همه صدای خوش، شعرا هم به کار می‌افتند و آنها هم شعر می‌گویند؛ از این فرصت استفاده کنید؛ این هم نکته‌ی بعدی.

و نکته‌ی آخر؛ پرهیز از انحراف، پرهیز از خرافه‌گرایی، پرهیز از مشکل‌تراشی در عقاید جوانها؛ گاهی ما یک کلمه‌ای می‌گوییم که یک گرهی در ذهن جوان مخاطب ما به وجود می‌آید؛ این گره را چه کسی میخواهد باز کند؟ این گرهی را که ما با بیان ناقص خودمان یا بیان غلط خودمان یا بی‌توجهی و بی‌مسئولیتی خودمان در ذهن این جوان به وجود می‌آوریم و عقیده‌ی او را دچار مشکل میکنیم، این گره چگونه باز خواهد شد؟ اینها مسئولیت است. اینکه ما مجلس عزاداری و مدح سیدالشهدا را – که عظمت او به خاطر شهادت است، عظمت او به خاطر فداکاری در راه خدا است، عظمت او به خاطر گذشت است؛ گذشت از همه چیز، از همه‌ی خواسته‌ها، از همه‌ی مطلوبها – تبدیل کنیم به یک نقطه‌ی سبک، به یک جایی که یک تعدادی جوان لخت بشوند، پیرند هوا، پیرند پایین و ندانند چه می‌گویند، درست است؟ این شکر این نعمت است که خدا به شما داده؟ این صدای خوش نعمت است؛ این توانایی اداره‌ی مجلس نعمت است؛ اینها چیزهایی است که خدا به همه نداده است، به شما داده؛ باید این نعمتها را شکر بگذارید. بنابراین من جامعه‌ی مدّاح را از ته دل دوست میدارم؛ برایتان دعا میکنم؛ خداوند ان شاءالله به شماها توفیق بدهد، به شماها کمک کند؛ اما این را هم عرض میکنم که انتظارات از جامعه‌ی مدّاح، امروز در جامعه‌ی ایرانی و در کل نگاه منطقه‌ای، انتظار بالایی است. من درباره‌ی حضرت صدیقه‌ی طاهره‌ی معصومه‌ی راضیه‌ی مرضیه (سلام الله و سلام جمیع انبیائه و ملائکته و عباد الصالحین علیها) چیزی نمیتوانم عرض بکنم؛ شما در بیانات خودتان مطالبی را بیان کردید، بنده هم زبانم قاصر است از اینکه مطلبی را عرض بکنم؛ [لذا] از این موضوع عبور میکنیم.

موضوع دوّم مسئله‌ی هسته‌ای؛ بعضی‌ها سؤال کردند و میکنند که چرا فلانی درباره‌ی مسئله‌ی هسته‌ای موضع نگرفته‌است؟ جواب این است که جایی برای موضع‌گیری وجود نداشته‌است. مسئولین ما، مسئولین هسته‌ای، مباشرین کار به ما دارند می‌گویند هنوز کاری انجام نگرفته، هیچ چیز الزام‌آوری بین دو طرف نگذشته است؛ چه موضع‌گیری‌ای؟ اگر از من بپرسند شما موافقید یا مخالف، می‌گویم نه موافقم، نه مخالف؛ چون هنوز اتفاقی نیفتاده



است؛ هنوز کاری نشده. همه‌ی مشکل بر سر آن جزئیاتی است که بنا است بنشینند و یکایک آنها را بحث کنند؛ این را خود مسئولین هم گفته‌اند؛ هم به ما گفته‌اند، هم در مصاحبه‌هایشان به مردم این را گفته‌اند؛ همه‌ی مشکل بعد از این است. ممکن است طرف مقابل که یک طرف لجوج، بدعهد، بد معامله، اهل دبه در آوردن، اهل چک و چانه کردن، اهل از پشت خنجر زدن و اهل این جور کارها و سیاه کاری‌ها است، سر جزئیات بخواهد کشور ما را، ملت ما را، مذاکره‌کنندگان ما را در یک دایره‌ای محصور کند؛ ما هنوز هیچ چیز در اختیار نداریم، هیچ الزامی به وجود نیامده است. اینکه حالا تبریک می‌گویند، به بنده تبریک می‌گویند، به دیگران تبریک می‌گویند، بی‌معنی است، چه تبریکی؟ آنچه تا کنون انجام گرفته است نه اصل توافق و مذاکره‌ی منتهی به توافق را تضمین می‌کند، نه محتوای توافق را تضمین می‌کند؛ هیچ کدام را؛ حتی تضمین نمی‌کند که این مذاکرات تا به آخر برسد و به یک توافق منتهی بشود؛ اینکه تا الان انجام گرفته، این جوری است؛ همه چیز مربوط به بعد از این است.

چند نکته را من در مورد مسئله‌ی هسته‌ای عرض می‌کنم. من البته هیچ وقت نسبت به مذاکره‌ی با آمریکا خوش بین نبودم. نه از باب یک توهم بلکه از باب تجربه؛ تجربه کردیم. نه از باب یک حالا اگر یک روزی - ما که در آن روز قاعدتاً نخواهیم بود - شماها ان شاء الله در جریان حوادث و جزئیات و یادداشت‌ها و نوشته‌های این روزها قرار بگیرید، خواهید دید که این تجربه‌ی ما از کجا حاصل شده؛ تجربه کردیم. لکن با وجود اینکه من خوش بین نبودم به مذاکره‌ی با آمریکا، با این مذاکرات موردی، مخالفت نکردم، موافقت کردم؛ از مذاکره‌کنندگان هم با همه‌ی وجود حمایت کردم، الان هم حمایت می‌کنم. از رسیدن به یک توافقی که منافع ملت ایران را تأمین کند و عزت ملت ایران را حفظ کند، صد درصد من حمایت می‌کنم و استقبال می‌کنم؛ این را همه بدانند. اگر کسی بگوید که ما مثلاً با توافق یا با رسیدن به یک نقطه مخالفیم، نه، خلاف حق و خلاف واقع گفته است. اگر یک توافقی انجام بگیرد که این توافق توافقی باشد که منافع ملت را، منافع کشور را تأمین بکند، بنده کاملاً با آن موافقت خواهم کرد. البته این را هم ما گفتیم که توافق نکردن بهتر از توافق بد است - که این حرف را آمریکایی‌ها هم می‌زنند - این فرمول، فرمول درستی است؛ توافق نکردن از توافق کردنی که در آن، منافع ملت پامال بشود، عزت ملت از بین برود، ملت ایران با این عظمت، تحقیر بشود [بهتر است]، توافق نکردن شرف دارد بر یک چنین توافق کردنی. این هم این مطلب؛ این نکته‌ی اول.

نکته‌ی بعدی این است که بنده در جزئیات مذاکره دخالتی نکردم، باز هم نمی‌کنم؛ من مسائل کلان، خطوط اصلی، چهارچوب‌های مهم و خط قرمزها را به مسئولین کشور همواره گفته‌ام؛ عمدتاً به رئیس جمهور محترم که ما با ایشان جلسات مرتب داریم، و موارد معدودی هم به وزیر محترم خارجه؛ خطوط اصلی و کلی. جزئیات کار، خصوصیات کوچک که تأثیری در تأمین آن خطوط کلان ندارد، مورد توجه نیست؛ اینها در اختیار آنها است، میتوانند بروند کار کنند. اینکه حالا گفته بشود که جزئیات این مذاکرات تحت نظر رهبری است، این حرف دقیقی نیست؛ البته بنده احساس مسئولیت می‌کنم، نسبت به این مسئله به هیچ وجه بی‌تفاوت نیستم، کلیاتی وجود دارد که حالا اشاره هم خواهم کرد به بعضی از آنها؛ قبلاً هم در صحبت‌های عمومی خطاب به مردم آنها را گفتیم؛ به مسئولین هم مفصل‌ترش را گفتیم.

نکته‌ی سوم؛ همان طور که عرض کردم بنده به مجریان امر اعتماد دارم؛ این را شما بدانید؛ این آقایانی که مشغول کار هستند، اینها افرادی هستند مورد اعتماد ما، من در مورد آنها هیچ تردیدی ندارم؛ در آنچه تا حالا بودند، ان شاء الله بعد از این هم تردیدی به وجود نخواهد آمد؛ هیچ تردیدی نسبت به آنها ندارم. لکن در عین حال جداً دغدغه دارم؛ این دغدغه ناشی از آن است که طرف مقابل بشدت اهل فریب و دروغ و نقض عهد و حرکت در خلاف جهت صحیح است؛ طرف مقابل این جوری است. یک نمونه‌اش در همین قضیه اتفاق افتاد؛ بعد از آنکه که مذاکره‌کنندگان ما مذاکره‌شان تمام شد، بعد از چند ساعت بیانیه‌ی کاخ سفید منتشر شد در تبیین مذاکرات. این بیانیه‌ای که آنها



منتشر کردند - که اسمش را میگذارند «فکت‌شیت» - در اغلب موارد خلاف واقع است؛ یعنی روایتی که اینها دارند از مذاکرات و از تفاهم‌هایی که انجام گرفته است میکنند، یک روایت مخدوش و غلط و خلاف واقع است. این بیانیته را آوردند من دیدم؛ چهار پنج صفحه است؛ این چهار پنج صفحه در ظرف این دو سه ساعت که تهیه نشده؛ در همان حالی که اینها داشتند مذاکره میکردند، این بیانیته را هم نشستند تأمین کردند. ببینید، طرف این جوری است؛ دارد با شما حرف میزند، بر سر یک موضوعاتی تفاهم به وجود می‌آید، در همان حالی که دارد با شما حرف میزند، دارد یک اعلامیه‌ای تهیه میکند که برخلاف آن چیزی است که بین شما و او دارد میگذرد و تا مذاکره‌تان تمام شد، آن اعلامیه را منتشر میکند! طرف این جوری است؛ طرف طرف بدعهدی است، طرف متقلبی است. حرف میزنند، بعد هم خصوصی میگویند اینها برای آبروداری است؛ برای اینکه مثلاً در مقابل مخالفانشان در داخل کشورشان کم نیاورند، یک چیزهایی را اینها مینویسند. خوب، این به ما ربطی ندارد. اگر بنا باشد که اینها ملاک عمل قرار بگیرد، آنچه آنها نوشتند، قطعاً ملاک عمل نخواهد بود. آنها البته درباره‌ی ما هم این حرف را میزنند. آنها گفتند که ممکن است بعد از آنکه این مذاکرات انجام گرفت، رهبری برای آبروداری یک اظهار مخالفتی بکند؛ کافر همه را به کیش خود پندارد. ما حرفمان با مردم بر مبنای اعتماد متقابل است؛ مردم به این حقیر ضعیف اعتماد کردند، بنده هم به تک تک این ملت اعتماد دارم؛ به این حرکت عمومی اعتماد دارم؛ معتقدم «يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ»؛ اعتقاد دارم دست خدا است که دارد کار میکند. بیست و دوّم بهمن را نگاه کنید، در آن سرما، در آن مشکلات؛ روز قدس را نگاه کنید، در آن گرما با آن دهان روزه؛ چه کسی مردم را می‌آورد در این خیابانها؟ چه گیرشان می‌آید از آمدن در این خیابانها؟ این دست خدا است؛ خدا را می‌بینیم، اعتماد میکنیم به این حرکت مردمی، به این احساس مردمی، به این صدق و بصیرت مردمی اعتماد میکنیم؛ حرف میزنیم باهم؛ آنها [=طرف مقابل] جور دیگری عمل میکنند، ما را هم با خودشان مقایسه میکنند. بنابراین دغدغهی این حقیر وجود دارد؛ الان هم من دغدغه دارم که اینها چه خواهند کرد و چگونه عمل خواهد شد.

نکته‌ی بعدی؛ بعضی‌ها موافقت کردند، بعضی مخالفت کردند؛ در این مطبوعات ما، در این نوشته‌های [کشور] ما، در سایت‌های فضای مجازی و غیره، بعضی ستایش میکنند، بعضی هم مخالفت میکنند؛ به اعتقاد بنده مبالغه نباید کرد، عجله هم نباید کرد، باید ببینیم چه اتفاقی خواهد افتاد؛ البته من به خود مسئولین هم این را گفته‌ام همین چند روز؛ مسئولین باید بیایند مردم را و بخصوص نخبگان را از جزئیات و واقعیات مطلع کنند؛ ما چیز محرمانه نداریم، چیز مخفی نداریم. این مصداق همدلی با مردم است؛ همدلی و هم‌زبانی که ما گفته‌ایم، همدلی یک چیز زورکی نیست، یک چیز دستوری نیست که کسی دستور بدهد که مردم همدلی کنید، مردم هم بگویند چشم، این همدلی نمیشود؛ همدلی مثل یک گل است، مثل یک نهال و بوته‌ی گل است، باید نهال را نشاند در زمین، بعد از آن مراقبت کرد، آن را آبیاری کرد، از لطمه زدن به آن باید جلوگیری کرد تا این همدلی رشد کند؛ بدون این، همدلی نخواهد شد. همدلی از هم‌زبانی هم بهتر است، هم‌زبانی هم خوب است.

ای بسا هندو و ترک هم‌زبان

ای بسا دو ترک چون بیگانگان

پس زبان محرمی خود دیگر است

همدلی از هم‌زبانی بهتر است

همدلی لازم است؛ همدلی را باید به وجود آورد؛ همدلی را باید رشد داد. این توصیه‌ی من به همه است. الان فرصت خوبی است برای همدلی؛ یک عده‌ای مخالفند، یک عده‌ای اعتراض دارند؛ خیلی خوب، مسئولین ما که مردمان صادقی هستند، مردمان علاقه‌مند به منافع ملّی‌اند، بسیار خوب، یک جمعی از مخالفین را - از آن افرادی را که شاخصند - دعوت کنند، حرفهای آنها را بشنوند؛ ای بسا در حرفهای آنها یک نکته‌ای باشد که این نکته را اگر رعایت



کنند، کارشان بهتر پیش برود؛ اگر چنانچه نکته‌ای هم نبود، آنها را قانع کنند؛ این میشود همدلی؛ این میشود یکسان‌سازی دلها و احساسها، و به تبع آن عملها. به نظر من بنشینند، بشنوند، بحث کنند. حالا ممکن است بگویند آقا ما سه ماه بیشتر زمان نداریم؛ خوب، حالا سه ماه بشود چهار ماه، آسمان که به زمین نمی‌آید؛ چه اشکالی دارد؟ کمالینکه آنها در یک برهه‌ی دیگری هفت ماه زمان را عقب انداختند. خیلی خوب، دوستان ما هم اگر چنانچه در این همدلی‌ها و هم‌زبانی‌ها و تبادل نظرها یک وقتی گرفته شد، چه اشکال دارد، وقتی گرفته بشود، یک خرده زمان آن تصمیمات نهایی عقب بیفتد؛ طوری نخواهد شد. این هم نکته‌ی بعدی.

نکته‌ی بعدی این است که این مذاکراتی که دارد انجام میگیرد - که بخشی از آن هم مذاکره‌ی با طرفهای آمریکایی است - فقط در موضوع هسته‌ای است؛ فقط. ما در هیچ موضوع دیگری فعلاً با آمریکا مذاکره نداریم؛ هیچ؛ این را همه بدانند؛ نه در مسائل منطقه، نه در مسائل گوناگون داخلی، نه در مسائل بین‌المللی؛ امروز فقط موضوع مورد بحث و مورد مذاکره، مسائل هسته‌ای است. حالا، این تجربه‌ای خواهد شد؛ اگر طرف مقابل از کج‌تابی‌های معمولی خودش دست برداشت، این یک تجربه‌ای برای ما میشود که خیلی خوب، پس میشود در یک موضوع دیگر هم با اینها مذاکره کرد؛ اما اگر دیدیم نه، این کج‌تابی‌هایی که همیشه از اینها دیده‌ایم باز هم وجود دارد و کج‌راهه دارند میروند، خوب طبعاً تجربه‌ی گذشته‌ی ما تقویت خواهد شد. طرف مقابل ما همه‌ی دنیا هم نیستند، به این هم توجه بشود. گاهی در تعبیرات آدم می‌شنود - من گله هم کردم - از بعضی از دوستان که میگویند جامعه‌ی بین‌المللی! جامعه‌ی بین‌المللی را آنها میگویند، جامعه‌ی بین‌المللی‌ای در مقابل ما نیست؛ یک آمریکا و سه کشور اروپایی؛ همین. آنهايي که در این مسئله دارند با ملت ایران لج‌بازی و کج‌تابی و بدعهدی و خبثت میکنند، یکی آمریکا است، یکی [هم] سه کشور اروپایی؛ کس دیگری در مقابل ما نیست. همین دو سال، دو سال و نیم قبل از این در همین شهر تهران، نمایندگان ارشد بیشتر از ۱۵۰ کشور آمدند، حدود پنجاه رئیس کشور در تهران در جریان جنبش غیرمتمتعدها که در تهران بود جمع شدند؛ مال دو سه سال پیش [است]، مال صد سال پیش که نیست؛ مال همین تازه است؛ جامعه‌ی بین‌المللی اینها هستند. اینکه ما مدام بگوییم «جامعه‌ی بین‌المللی باید اعتماد کند»، جامعه‌ی بین‌المللی کجا بود؟ جامعه‌ی بین‌المللی به ما کاملاً هم اعتماد دارد؛ در همین کشورها هم خیلی از ملت‌هایشان، دولت‌هایشان را قبول ندارند. این هم نکته‌ی بعدی.

نکته‌ی آخر خواسته‌های بنده است. من یک خواسته‌هایی از مسئولین داشته‌ام که این را به آنها عرض کردم، گفتم و روی آنها اصرار دارم. یکی این مسئله است که بدانند دستاورد کنونی هسته‌ای ما چیز باارزشی است؛ این را بدانند؛ به چشم کم‌ارزش و چیز سبک به آن نگاه نکنند؛ چیز باارزشی است. صنعت هسته‌ای برای یک کشور، یک ضرورت است. اینکه بعضی از روشنفکرانها قلم بردارند و قلم بزنند که «آقا ما صنعت هسته‌ای را میخواهیم چه کار کنیم» این فریب است؛ این شبیه همان حرفی است که زمان قاجارها وقتی نفت کشف شده بود و انگلیسها آمده بودند میخواستند نفت را ببرند، اینجا دولتمرد قاجاری میگفت ما این ماده‌ی بدبوی عفین را میخواهیم چه کار کنیم، بگذارید بردارند ببرند! این شبیه آن است. صنعت هسته‌ای برای یک کشور یک ضرورت است؛ هم برای انرژی، هم برای داروهای هسته‌ای که بسیار مهم است، هم برای تبدیل آب دریا به آب شیرین، و هم برای بسیاری از نیازهای دیگر در زمینه‌ی کشاورزی و غیر کشاورزی. صنعت هسته‌ای در دنیا، یک صنعت پیشرفته است، یک صنعت مهم است؛ این را هم بچه‌های ما خودشان به دست آوردند؛ این انفجار ظرفیتهای درونی و استعدادهای درونی بچه‌های ما بود. حالا فلان کشور عقب افتاده، میگوید اگر ایران غنی‌سازی داشته باشد من هم میخواهم غنی‌سازی داشته باشم؛ خیلی خوب برو تو هم غنی‌سازی کن؛ بلدی برو بکن. ما که غنی‌سازی را از کسی نگرفتیم، استعداد درونی ما است؛ [اگر] شما هم استعداد درونی در ملت داری، برو غنی‌سازی کن؛ [این] بهانه‌گیری‌های بچه‌گانه که بعضی از کشورها میکنند. غنی‌سازی و آنچه در زمینه‌ی هسته‌ای تا امروز پیش آمده است، یک دستاورد بسیار مهم است؛ این



چیز کمی نیست. و این گامهای ابتدائی ما در این صنعت است. باید در این صنعت کار بشود، حرکت بشود، پیشرفت بشود. حالا چند کشور جنایتکاری که خودهاشان یا بمب هسته‌ای را علیه ملت‌ها به کار بردند مثل آمریکا، یا آزمایش کردند مثل فرانسه – فرانسه همین ده دوازده سال قبل از این سه آزمایش هسته‌ای پشت سر هم در اقیانوس کرد که اینها مخرب است و محیط دریایی را نابود میکند؛ سه آزمایش هسته‌ای بسیار خطرناک؛ [در] دنیا هم یک جنجال مختصری کردند، بعد هم دهنها را بستند، تمام شد – اینها دارند به ما میگویند! ما دنبال انفجار هسته‌ای نیستیم، دنبال آزمایش هسته‌ای نیستیم، دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم؛ نه به خاطر اینکه آنها میگویند، [بلکه] به خاطر خودمان، به خاطر دینمان و به خاطر عقلمان. هم فتوای شرعی ما این است، هم فتوای عقلی ما این است. فتوای عقلی ما هم این است که ما امروز و فردا و هیچ وقت به سلاح هسته‌ای احتیاج نداریم؛ سلاح هسته‌ای برای یک کشوری مثل کشور ما مایه‌ی دردسر است که حالا تفصیل این بماند. بنابراین دستاورد هسته‌ای، بسیار مهم است و دنبال کردن این صنعت و صنعتی کردن کشور، بسیار چیز لازمی است؛ بایستی این مورد توجه باشد. مطالبه‌ی بعدی ما از مسئولین این بوده است که گفتیم به طرف مقابل اعتماد نکنید. خوشبختانه اخیراً یکی از مسئولین محترم صریحاً گفت که ما به طرف مقابل هیچ اعتمادی نداریم و این خیلی چیز خوبی است. گفتیم به طرف مقابل اعتماد نکنید، به لبخند او فریب نخورید، به وعده‌ی نقد که میدهد – وعده‌ی نقد، نه عمل نقد – اعتماد نکنید، [چون] وقتی خرس از پل گذشت، برمیگردد و به ریش شما میخندد! اینقدر اینها وقیحند. امروز که یک تفاهم اولیه به صورت یک یادداشت و یک اعلامیه منتشر شده است و هنوز هیچ کار نشده است و خود طرفین میگویند که الزامی وجود ندارد، همین حالا که توانسته‌اند این مقدار حرکت را بکنند، شما دیدید رئیس جمهور آمریکا در تلویزیون ظاهر شد با چه ژستی، با چه ریختی!

مطلب بعدی که ما به مسئولین گفتیم و به مردم هم عرض میکنیم، این است که در این جزئیات مذاکرات – که خیلی هم این چند ماه آینده مهم است – اتفاقی که باید بیفتد این است که تحریمها به طور کامل و یکجا بایستی لغو بشود. اینکه یکی از آنها میگوید تحریمها شش ماه دیگر لغو میشود، یکی میگوید نه ممکن است یک سال هم طول بکشد، یکی دیگر میگوید ممکن است از یک سال هم بیشتر بشود، اینها بازیهای متعارف معمول اینها است؛ اینها هیچ قابل اعتناء و قابل قبول نیست؛ تحریمها بایستی – اگر چنانچه حالا خدای متعال مقدر فرموده بود و توانستند به یک توافقی برسند – در همان روز توافق به طور کامل لغو بشود؛ این باید اتفاق بیفتد. اگر قرار باشد که لغو تحریمها باز متوقف بشود بر یک فرایند دیگری، پس چرا ما اصلاً مذاکره کردیم؟ اصلاً مذاکره و نشستن پشت میز مذاکره و بحث کردن و بگومگو کردن برای چه بود؟ برای همین بود که تحریمها برداشته بشود؛ این را باز بخواهند متوقف کنند به یک چیز دیگری، اصلاً قابل قبول نیست.

نکته‌ی بعدی که به مسئولین محترم تذکر دادیم و به شما هم عرض میکنیم، این است که به هیچ وجه اجازه داده نشود که به بهانه‌ی نظارت، اینها به حریم امنیتی و دفاعی کشور نفوذ کنند؛ مطلقاً. مسئولین نظامی کشور به هیچ وجه مأذون نیستند که به بهانه‌ی نظارت و به بهانه‌ی بازرسی و مانند این حرفها، بیگانگان را به حریم و حصار امنیتی و دفاعی کشور راه بدهند، یا توسعه‌ی دفاعی کشور را متوقف کنند؛ توسعه‌ی دفاعی کشور، توانایی دفاعی کشور، مشت محکم ملت در عرصه‌ی نظامی، این بایستی همچنان محکم بماند و محکم‌تر بشود؛ یا حمایت ما از برادران مقاومت در نقاط مختلف؛ اینها مطلقاً بایستی در مذاکرات مورد خدشه قرار بگیرد.

تذکر بعدی این است که هیچ شیوه‌ی نظارتی غیر متعارف که جمهوری اسلامی را به یک کشور اختصاصی از لحاظ نظارت تبدیل میکند، به هیچ وجه مورد قبول نیست. همین نظارتهای متعارفی که در همه‌ی دنیا معمول است، اینجا هم همان نظارتهای [باشد]، و نه بیشتر.

نکته‌ی آخر در این زمینه؛ توسعه‌ی علمی و فنی هسته‌ای در ابعاد گوناگون، به هیچ وجه بایستی متوقف بشود.



توسعه باید ادامه پیدا کند، توسعه‌ی فتی. حالا محدودیتهایی را ممکن است لازم بدانند قبول بکنند، ما حرفی نداریم. برخی از محدودیتهای را قبول کنند، اما توسعه‌ی فتی حتماً بایستی ادامه پیدا بکند و با شدت و قدرت پیش برود. این عرایض ما است، حرفهای ما به برادرانمان اینها است. این حرفها را ما در جلسات خصوصی هم گفتیم؛ عمدتاً در طول این یک سال و نیم با رئیس‌جمهور محترم، و بعضاً در موارد نادری هم به مسئول مذاکرات که وزیر محترم خارجه‌ی ما است گفتیم. این حرفهای من است؛ اما حالا این خواسته‌ها را اینها با کدام شیوه‌ی مذاکراتی میتوانند تأمین کنند، این به عهده‌ی خودشان است؛ بروند بنشینند شیوه‌های درست مذاکراتی را پیدا کنند، از آدمهای مطلع و امین بهره‌مند بشوند، از نظرات منتقدین مطلع بشوند و آنچه را لازم است انجام بدهند. این هم مربوط به مسئله‌ی هسته‌ای.

مسئله‌ی یمن. سعودی‌ها بدعت بدی گذاشتند در این منطقه و البته خطا کردند، اشتباه کردند. کاری که امروز دولت سعودی در یمن دارد انجام میدهد، عیناً همان کاری است که صهیونیست‌ها در غزه انجام دادند. دو جنبه دارد: یکی اینکه جنایت است، نسل‌کشی است، قابل تعقیب بین‌المللی است، بچه‌ها را میکشند، خانه‌ها را خراب میکنند، زیربناها را نابود میکنند، ثروتهای ملی را در یک کشور از بین میبرند؛ خب، این یک جنایت بزرگ است؛ این یک طرف قضیه است؛ طرف دیگر قضیه این است که سعودی‌ها در این مسئله خسارت خواهند کرد، ضرر خواهند کرد و به هیچ وجه پیروز نخواهند شد. دلیل خیلی واضحی دارد؛ دلیلش این است که توانایی‌های نظامی صهیونیست‌ها چندین برابر توانایی نظامی این سعودی‌های کذا و کذا [است]؛ چندین و چند برابر اینها، آنها توانایی نظامی داشتند؛ طرف مقابل آنها هم غزه‌ی یک وجبی بود. اینجا طرف مقابل یک کشور است، یک کشور ده‌ها میلیونی؛ یک ملت، کشور پهناور و وسیع. اگر آنها توانستند در غزه پیروز بشوند، اینها هم خواهند توانست در اینجا پیروز بشوند؛ البته اگر آنها هم پیروز میشدند، باز پیروزی اینها احتمالش صفر بود؛ الان احتمالش زیر صفر است. اینها قطعاً ضربه خواهند خورد؛ قطعاً بینی سعودی‌ها به خاک مالیده خواهد شد. ما با سعودی‌ها اختلافات متعددی در مسائل گوناگون سیاسی داریم؛ اما این را همیشه میگفتیم که سعودی‌ها در کار سیاست خارجی‌شان یک وقار و متانتی نشان میدهند؛ این وقار و متانت را هم از دست دادند. چند جوان بی‌تجربه، امور آن کشور را در دست گرفتند و دارند آن جنبه‌ی توحش را غلبه میدهند بر جنبه‌ی متانت و ظاهرسازی؛ این به ضررشان تمام خواهد شد. من هشدار میدهم به سعودی‌ها، از این حرکت جنایت‌آمیزی که در یمن میکنند باید دست بردارند؛ این در این منطقه قابل قبول نیست.

آمریکا هم البته از آنها دفاع میکند، حمایت میکند؛ طبیعت آمریکا این است، در همه‌ی قضایا طرف ظالم را بگیرد؛ طرف آن چهره‌ی بد را بگیرد، به جای اینکه طرف مظلوم را بگیرد؛ این طبیعت آنها است، اینجا هم همان جور دارند عمل میکنند؛ ولیکن ضربه خواهند خورد، شکست خواهند خورد. حالا جنجال درست خواهند کرد که «ایران در کار یمن دخالت کرد»؛ بله، این دخالت است؛ اینکه ما نشسته‌ایم اینجا دو کلمه حرف میزنیم، این میشود دخالت؛ [اما اینکه] هواپیماهای جنایتکارشان آسمان یمن را ناامن کرده‌اند، آن دخالت نیست! آنها برای یک چنین دخالتی، بهانه‌های ابلهانه برای خودشان جور میکنند؛ این بهانه‌ها، نه از لحاظ منطق بین‌المللی قابل قبول است، نه ملتها میپذیرند، و نه خدا میپذیرد. بنابراین آنچه لازم است همین است؛ بایستی اینها هرچه زودتر دست از این جنایت و فاجعه‌باری بردارند. ملت یمن یک ملت بزرگی است، ملت کهنی است، ملت دیرینی است؛ هزاران سال سابقه دارد. این ملت این ظرفیت را دارد، این توانایی را دارد که بنشیند برای خودش تکلیف دولت را معین بکند. البته کسانی سعی کردند خلأ قدرت ایجاد کنند، جنجال درست کنند، مسائلی را که در لیبی متأسفانه پیش آمده – که بسیار وضعیتی بد و رقت‌باری امروز در لیبی هست – میخواستند همین اوضاع را در یمن [هم] به وجود بیاورند؛ خوشبختانه نتوانستند. جوانهای مؤمن، جوانهای علاقه‌مند و معتقدین به مناجات امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و



السلام) توانستند بایستند در مقابل اینها؛ شیعه و سنی و شافعی و زیدی و حنفی و همه جورشان ایستاده‌اند در مقابل هجمه‌ی دشمن و ان‌شاءالله پیروز خواهند شد و پیروزی متعلق به ملت‌ها است.

پروردگارا! برادران ما در هر نقطه‌ی دنیا هستند پیروزشان بفرما؛ پروردگارا! دشمنان اسلام و دشمنان ملت‌های مسلمان را در هر نقطه‌ای که هستند مخدول و منکوب بفرما؛ پروردگارا! ما را با وظایفمان آشنا کن؛ ما را به وظایفمان عامل کن؛ روح مطهر امام بزرگوار را با اولیائش محشور بفرما؛ ارواح طیبه‌ی شهدا را با روح مطهر حضرت صدیقه‌ی طاهره (سلام الله علیها) محشور بفرما.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته